

## مفهوم عبادت در اسلام

### خطبه اول

الحمد لله فاطر السموات والأرض و غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب و ذي الطول لا إله إلا هو إليه المصير و وأنشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له خلق فسوى و وقدر فهدى و وأخرج المرعى و فجعله غناءً أحوى و وأنشهد أن محمداً عبده ورسوله أرسله إلى جميع الثقلين الإنس و الجن بشيراً و نذيراً و وداعياً إلى الله بإذنه وسراجاً منيراً و أقام الله به الحجة و وأوضح الطريق و فصلوات الله و سلامه عليه و على آله و أصحابه و خلفائه الأربعة: أبي بكر و عمر و عثمان و علي و و على سائر

أصحابه الأخيار النجباء الأطهار. أما بعد: الله متعال می فرماید: ﴿ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

لَعِينٍ ﴿١٦﴾ لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهَؤُا لَاتَّخَذْتَهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٧﴾ (الأنبياء: ١٦ - ١٧)

«و آسمان وزمین و آنچه در میان آندوست و به بازیچه نیافریدیم و اگر (بر فرض) می خواستیم که سرگرمی ای برگزینیم حتماً آن را از نزد خود بر می گزیدیم و اگر (این کار را) انجام می دادیم.» مسلمانان! در این آیات کریمه اشاره شده که بازی و بیهوده گری با ساحت اقدس الهی سازگار نیست و اگر بر فرض محال او سرگرمی می خواست این بازیچه ها متناسب مقام او نبود. آری اگر مجموعه هستی را همراه با مبدأ و منتهای آن در نظر بگیریم و جهان پویا و همدفدار است که بر اساس حق و همراه حق و دارای هدف ثابت بوده و فرجام آن پیروزی حق است. بنابراین آفریننده جهان هستی در پی کار مهمی بوده است. و جهان را آفریده است تا موجودی شریف و با کرامت همچون انسان در آن پرورش یابد و راه کمال و سعادت را پیوید و حق را بر باطل پیروز گرداند و او تعالی را به تنهایی پرستد. الله متعال می فرماید: ﴿ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴾ (الذاریات: ٥٦)

«جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه مرا عبادت کنند». عبادت کنند تا از این طریق تکامل یابند و به الله نزدیک شوند. و هدف آفرینش هستی و جن و انس و عبادت الله است. عبادت عبارت است از آن آخرین حد خضوع و تواضع که به عنوان تعلق و وابستگی مطلق و تسلیم بی قید و شرط عابد در برابر معبود انجام می گیرد. بنابر این عبادت به معنای اظهار ذلت و عالی ترین نوع تذلل و کرنش در برابر الله است. کارنامه همه انبیاء و رسالت آنان نیز و دعوت مردم به پرستش الله بوده است. و روشن است که الله متعال و نیازی به عبادت ما ندارد و سود عبادت و به خود پرستندگان بر می گردد. به این ترتیب ما همه برای عبادت پروردگار آفریده شده ایم و اما مهم این است که بدانیم حقیقت بندگی و عبودیت چیست؟ عبد از نظر لغت عربی به انسانی می گویند که سر تا پا تعلق به مولا و صاحب خود دارد و اراده اش تابع اراده او و خواستش تابع خواست او است. در برابر او مالک چیزی نیست و در اطاعت او هرگز سستی به خود راه نمی دهد. و به تعبیر دیگر عبودیت - آن گونه که در متون لغت آمده - اظهار آخرین درجه خضوع در برابر معبود است و به همین دلیل تنها کسی می تواند معبود باشد که نهایت انعام و اکرام را کرده است و او کسی جز الله نیست. بنابر این عبودیت نهایت اوج تکامل یک انسان و قرب او به الله است. عبودیت نهایت تسلیم در برابر ذات پاک او است. عبودیت اطاعت بی قید و شرط و فرمانبرداری در تمام زمینه هاست. و بالاخره

عبودیت کامل آن است که انسان جز به معبود واقعی یعنی الله تبارک و تعالی نیندیشد و جز در راه او گام بر ندارد و هر چه غیر او است فراموش کند و حتی خویشتر را! و این است هدف نهائی آفرینش بشر که الله برای وصول به آن میدان آزمایشی فراهم ساخته و علم و آگاهی به انسان داده و نتیجه نهائیش نیز غرق شدن در اقیانوس رحمت او است. پرستش و جزئی از وجود و کشش فطری انسان است. این روح پرستش و که در انسان فطری است و گاهی در مسیر صحیح قرار گرفته و انسان به «یکتا پرستی» می رسد و گاهی انسان در سایه جهل یا انحراف و به پرستش سنگ و چوب و خورشید و گاو و پل و ماشین و همسر و پرستش طاغوت ها کشیده می شود. انبیاء برای ایجاد حس پرستش نیامده اند و بلکه بعثت آنان و برای هدایت این غریزه فطری به مسیر درست است. بیشتر آیات مربوط به عبادت در قرآن و دعوت به توحید در عبادت می کند و نه اصل عبادت. زیرا روح عبادت در انسان وجود دارد. مثل میل به غذا که در هر کودک هست و ولی اگر راهنمایی نشود و به جای غذا و خاک می خورد ولدت هم می برد! اگر رهبری انبیاء نباشد و مسیر این میل فطری منحرف می شود و به جای الله و معبودهای دروغین و پوچ پرستیده می شود. آن گونه که در نبود حضرت موسی علیه السلام و غیبت چهل روزه اش و مردم با اغوای سامری و به پرستش گوساله ی طلایی سامری روی آوردند.

مسلمانان! وظیفه حقیقی که انسان بخاطر آن آفریده شده است همین عبادت الله تعالی است. و چون حقیقت عبادت و کمال محبت و فروتنی و اطاعت برای الله متعال است از این رو عبادت شامل همه آنچه می شود که الله تعالی آن را دوست میدارد و آنرا می پسندد و پس عبادت منحصر بر و ادای شعائر و مناسک بخصوص نمی باشد. الله تبارک و تعالی انسان را راهنمایی کرده که چگونه الله بزرگ را عبادت و پرستش نماید. تکالیف شرعی و عباداتی که الله تعالی انسان را به انجام آن فرمان داده است مشروط به داشتن عقل سلیم و استطاعت و توان انجام دادن آن است و الله تعالی انسان را به چیزیکه توان انجام آن را ندارد مکلف نمی سازد. و تمام تکالیف و واجبات شرعی که الله جل جلاله به ادای آنها فرمان داده است برای عقل و رای انسانی مجال تغییر و تبدیل و حذف و زیادت در آن نیست و اصل در عبادات پیروی کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است. برخی از عبادات عبادات ظاهری اند که به جسد و اندامهای انسانی تعلق میگیرند مانند نماز و روزه و حج و زکات و ذکر الله و قرائت قرآن کریم و ودعا و کارهای سودمند و مفید و سعی و حرکت در زمین. و برخی ازین عبادات عبادات باطنی اند که با قلب انجام داده می شوند و مثل ثنا و ستایش و شکر الله و محبت و خوف از او تعالی و امید برای او و توبه به سوی او و توکل بر وی و صبر و شکیبائی و حفظ قلب از کینه و بغض و حسد و وتفکر در خلق الله. عبادات الله تعالی به چیزیکه مشروع شده و طریقه ی که مشروع گردیده بهترین وسیله برای تقرب و نزدیکی به سوی الله است و بلکه آن یگانه راه برای دریافت رضای اوست. از شروط قبول عبادت نزد الله اخلاص نیت برای الله و متابعت از فرستاده او حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در کیفیت ادای آن عبادت است. بلندترین و عالی ترین مرتبه ی عبادت آنست که بنده باید پروردگارش را طوری عبادت کند که گوئی او را می بیند و اگر او پروردگارش را دیده نمیتواند و نمی بیند ولی یقین

دارد که الله او را می بیند و و این درجه (احسان) در عبادت است. باید دانست که یکی از بزرگترین انواع عبادت این است که انسان از ته دل عقیده داشته باشد که عبادت حق الله جل جلاله بر بندگان است و آنها موظف هستند تا آنها را بجا آورند و هم چنان که صاحبان حق و حق خود را می خواهند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به حضرت معاذ رضی الله عنه فرمود: «يَا مُعَاذُ أَتَدْرِي مَا حَقُّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ». قَالَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ «أَنْ يَعْْبُدُوهُ وَلَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ أَتَدْرِي مَا حَقَّهُمْ عَلَيْهِ إِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ». قَالَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ «أَنْ لَا يُعَذِّبَهُمْ» متفق علیه «ای معاذ آیا میدانی که حق الله بر بندگان چیست؟ فرمود: الله ورسولش بهتر می داند و آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: حق الله بر بندگان این است که او را عبادت کنند و شریک برایش قرار ندهند. و آیا میدانی حق بنده گان بر الله چیست اگر این کار را بکنند؟ فرمود: الله ورسولش بهتر می داند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: حق بندگان بر الله این است - که به الله شریک نیاورند - آنان را عذاب ندهد.» حالا دانستیم که رسالت انسان در پهلوی پیاده نمودن نظام الهی در روی زمین و عبادت الله است. و عبادت اسمی است که در برگیرنده تمام گفتارها و کردارهای باطنی و ظاهری که مورد پسند و قبول الله جل جلاله قرار بگیرد را شامل میشود. بنابراین و نماز و روزه و حج و راستگوئی و امانت داری و احسان به پدر و مادر و حفظ پیوند خویشاوندی و پایبندی به عهد و پیمان و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد با کفار و منافقان و خوبی به همسایه و یتیم و در مانده و غریب و اسیر و حیوانات و وادکار و نوپایش و تلاوت قرآن و از همین قبیل کارها و نمونه هایی واقعی از عبادت میباشد. بدین ترتیب می بینیم که عبادت دارای افقی پهناور و حوزه ای گسترده است. آری عبادت همه ابعاد زندگی را فرا میگیرد از شیوه غذا خوردن تا مسایل تشکیل دولت و سیاست و حکومت و امور تجارتي و کیفر و جزا و اصول روابط بین المللی در حال جنگ و صلح همه و همه تحت نظام و پوشش عبادت در میآید. به همین جهت ملاحظه می شود که کتاب الله و بندگان مومن را با دستورات تکلیفی و احکام شرعی ای که جنبه های گوناگون زندگی را شامل می گردد و مورد خطاب قرار داده است. بَارِكْ اللَّهُ لِي وَلَكُمْ فِي الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَنَفَعَنِي وَإِيَّاكُمْ بِمَا فِيهِ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ. أَقُولُ قَوْلِي هَذَا وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ وَلِسَائِرِ الْمُسْلِمِينَ فَاسْتَغْفِرُوهُ أَنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.

## خطبه دوم

الحمد لله حمدا يليق بجلال وجهه وعظيم سلطانه و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبد الله ورسوله و صلوات الله سلامه عليه وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين وبعد:

برادران مسلمان! الله دین اسلام را دینی در حد اعتدال و وسط قرار داده همان طور که امت اسلامی در بین امت های دیگر امتی وسط و در حد اعتدال و بدون افراط و زیاده روی و تفریط است. لذا مسلمان باید در همه امور میانه رو باشد حتی در طاعات و عبادات از تندی و کندی بپرهیزد زیرا الله دین را برای بندگان آسان گردانیده است چنانکه می فرماید: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ يَكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ يَكُمُ الْعُسْرَ﴾ (البقرة: ۱۸۵) «الله به شما اراده آسانی دارد و اراده دشواری بر شما ندارد». از ام المومنین عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: «دَخَلَ عَلَيْهَا وَعِنْدَهَا امْرَأَةٌ قَالَ: مَنْ هَذِهِ؟»

قالت: هَذِهِ فُلَانَةٌ تَذْكُرُ مِنْ صَلَاتِهَا قَالَ: «مَهْ عَلَيْكُمْ بِمَا تُطِيقُونَ وَفَوَاللَّهِ لَا يَمَلُّ اللَّهُ حَتَّى تَمَلُّوا وَكَانَ أَحَبُّ الدِّينِ إِلَيْهِ مَا دَاوَمَ صَاحِبُهُ عَلَيْهِ» متفقٌ عليه. «پیامبر صلی الله علیه وسلم نزد عایشه رضی الله عنها آمدند و در حالیکه زنی نزد او نشسته بود. فرمودند: این زن کیست؟ فرمود: این فلانی است و از نماز خواندنش یاد آوری کرد. فرمودند: فقط آنچه را که می توانید انجام دهید و سوگند به الله متعال که ذات یکتای او ملول نمی شود و ثوابش را قطع نمی کند تا زمانیکه شما خسته نشوید. و بهترین عمل در نزد رسول الله عملی بود و که صاحبش بر وی مداومت نماید». ابن جوزی رحمه الله می فرماید: بهترین عمل مداوم تر آنست. زیرا دوام خیر مستلزم ثواب متداوم است و مفهوم حدیث و رضایت اعتدال و میانه روی در کلیه امور حتی عبادت است. همچنان از انس رضی الله عنه روایت است که فرمود: «جاءَ ثَلَاثَةٌ رَهْطٍ إِلَى بُيُوتِ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْأَلُونَ عَنْ عِبَادَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَفَلَمَّا أُخْبِرُوا كَانَتْهُمْ تَقَالُوبُهَا وَقَالُوا: أَيْنَ نَحْنُ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ غَفِرَ لَهُ بِمَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ. قَالَ أَحَدُهُمْ: أَمَا أَنَا فَأَصْلِي اللَّيْلَ أَبَدًا وَ وَقِيلَ الْآخَرَ: وَأَنْتُمْ أَصُومُ الدَّهْرَ أَبَدًا وَلَا أَفْطِرُ وَقَالَ الْآخَرَ: وَأَنَا اعْتَزَلُ النِّسَاءَ فَلَا أَتَزَوَّجُ أَبَدًا وَ فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ: «أَنْتُمْ الَّذِينَ قُلْتُمْ كَذَا وَكَذَا؟ وَ أَمَا وَاللَّهِ إِنِّي لِأَخْشَاكُمْ لِلَّهِ وَأَتْقَاكُمْ لَهُ لَكِنِّي أَصُومُ وَأَفْطِرُ وَ وَأَصْلِي وَأَرْقُدُ وَ وَأَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ وَ فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» متفقٌ عليه. «سه شخص به خانه های زنان پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده از عبادت پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسش نمودند. چون بر ایشان گفته شد و گویا آنرا کم شمرده گفتند: ما با پیامبر صلی الله علیه وسلم چه مناسبتی داریم و در حالیکه گذشته و آینده شان بخشیده شده؟ یکی از ایشان گفت: من همیشه در تمام عمر تمام شب را نماز می گزارم. دیگری گفت: من تمام عمر روزه میگیرم و سومی گفت: من از زنها دوری گزیده و هرگز ازدواج نمی کنم. رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده فرمود: شما همان کسانی هستید که چنین و چنان گفتید؟ اما به الله سوگند که من از همه شما از الله بیشتر ترسیده و از همه شما پرهیزگارترم. و من هم روزه می گیرم و هم نمی گیرم و نماز می خوانم و خواب هم می شوم و زنان را به نکاح میگیرم و و کسیکه از سنت و طریقه من اعراض کند از من نیست». همچنان آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اند: «هَلْكَ الْمُتَنَطِّعُونَ» قَالَهَا ثَلَاثًا وَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ. «پیامبر صلی الله علیه وسلم سه بار فرمود: هلاک شدند متنتعون (کسانی که بی مورد سختگیری کرده و در گفتار و کردارشان غلو می نمایند). در حدیثی دیگر می فرمایند: «إِنَّ الدِّينَ يُبْسَرُ وَ لَنْ يَشَادَ الدِّينَ إِلَّا غَلْبَهُ فَسَدِّدُوا وَقَارِبُوا وَأَبْشِرُوا وَ وَاسْتَعِينُوا بِالْغَدْوَةِ وَالرَّوْحَةِ وَشَيْءٍ مِنَ الدُّجَى» رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ. «در دین آسانی است و کسیکه با دین بمقابله برخیزد و سختگیری کند و ناکام و مغلوب میگردد. پس حق را طلب نموده و خود را بآن نزدیک ساخته و شاد باشید و با حرکت صبحگاهی و شامگاهی و آخر شب یاری جوئید. یعنی در اوقات نشاط به انجام اعمال صالحه پردازید». روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم میان سلمان و ابوالدرداء رضی الله عنهما عقد اخوت و برادری بستند. سلمان رضی الله عنه بدیدن ابوالدرداء رضی الله عنه آمده و دید که ام الدرداء رضی الله عنها لباسهای کهنه را پوشیده و سوال کردند که چرا اینطوری؟ وی گفت: زیرا برادرت ابوالدرداء رضی الله عنه به زنان میلی ندارد و در این هنگام ابوالدرداء رضی الله عنه آمده و طعامی را برای سلمان رضی الله عنه آماده کرده و گفت: بخور و زیرا من روزه دارم. سلمان

رضی الله عنه گفت: تا تو نخوری من نمی خورم و نان خورد. چون شب شد ابوالدرداء رضی الله عنه خواست برای ادای نماز برخیزد و سلمان رضی الله عنه فرمود: خواب شو. باز خواست برخیزد و سلمان رضی الله عنه فرمود: بخواب. چون آخر شب شد سلمان رضی الله عنه فرمود: حالا برخیز و هر دو برخاسته نماز گزارند. سلمان بوی فرمود: هر آینه الله بر تو حقی دارد و ونفس تو بر تو حقی دارد و و خانواده ات بر تو حقی دارد و وحق هر کس را باو ادا کن. وی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده موضوع را یاد آوری نمود. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: سلمان راست گفته است». صحیح بخاری

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ٥٦﴾

(الأحزاب: ٥٦) اللهم صلِّ وسلم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين. اللهم ارض عن الصحابة الأخيار و آل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و أصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم. اللهم وفقنا لما تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين. اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم أت نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا أتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار. عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغى و يعظكم لعلكم تذكرون.